

مرقع و قطعه

«شیخی بیک نقاش» در مرقع بهرام میرزا صفوی

(دو نامه از دکتر احمد زکی ولیدی طوغان و دکتر مهدی بیانی)^۱

دکتر احمد زکی ولیدی طوغان (۱۸۹۱-۱۹۷۰) از جمله استادان نامدار ترک است که به سبب پژوهش‌های استوارش و تجسس‌های بی‌نظیرش در قلمرو ترک‌شناسی عموماً و نسخه‌های خطی شرقی خصوصاً مشهور عالم است. در جهان ایران‌شناسی زکی ولیدی طوغان را بیشتر به واسطهٔ تتبعات تاریخی می‌شناسند تا در حوزهٔ تاریخ هنر؛ اما با نگاهی اجمالی به آثارش می‌توان دریافت که او علاوه بر دلبستگی به تاریخ و تمدن ایران به هنر این سرزمین هم علاقه‌مند بوده است.^۲

دکتر ولیدی طوغان دربارهٔ مرقع بهرام میرزا صفوی سال‌ها قبل کتابی به زبان ترکی منتشر کرد^۳ که بعدتر به انگلیسی و فرانسه نیز منتشر شد. نامهٔ حاضر مربوط به همین تألیف است و از دکتر بیانی دربارهٔ شیخی بیک نقاش درخواست کمک و راهنمایی شده است.

این دو نامه از «گنجینهٔ دکتر مهدی بیانی» است که به لطف خانوادهٔ محترم آن استاد فقید و هنرشناس کم‌مانند در اختیار اینجانب قرار گرفته است. از همسر و فرزندان آن استاد فقید به خاطر این لطف فرهنگی سپاسگزارم.

نادر م. کاشانی

* * *

[نشانی]

Istanbul, 5 October 1958

آقای مکرم مهدی بیانی

حکایت کرده بودید که یک «شبه شیخی بیک» در جُنْگ شاه طهماسب دیده باشید. بنده در طوبقپوسرای این جُنْگها گشتم، صورت‌های دوست محمدبیک، شاه قلی بیک، صادق بیک و امثالهم دیدم. شبه شیخی بیک را هیچ ممکن نبود که پیدا کنم. در گدام (کذا) از مجموعه‌ها دیده بودید؟ نمرهٔ مجموعهٔ مرقعات چه بود؟ بنده در بریتیش موزه شدم نسخهٔ فصل الخطاب خواجهٔ پارسا دیدم بخط محمد بن سلطان محمد القاری المدعو بشیخی بیک از سنهٔ تسع و تسعمایه.^۴ فکر شما چیست؟ آیا ممکن است این شیخی بیک همین شیخی بیک خطاط و نقاش که شما شبه‌اش دیده بودید. آیا تاریخ وفات شیخی بیک معلوم است؟... (؟) عالی در مناقب هنروان «محمد بیک بن سلطان محمد نیریزی»^۵ ذکر می‌کند و بنابر قولش در تصاویر مجلس اعجوبهٔ زمان بوده است. اما خطاط و نقاش محمد بن سلطان محمد بن نورالله از اعیان هرات نیز در زمان شاه اسماعیل در تبریز بسر برده‌اند. احتمال که اشخاص جداگانه بوده‌اند. فکر شما چیست؟

از تذکرهٔ خوشنویسان میرمنشی قمی بحث کرده بودید. اگر حالا چاپ نشده است، بنده می‌خواهم که یک فیلم از او سبارش بکنم. نسخه‌اش در کدام کتبخانه بوده؟ باقی یحیی مهدوی و سید محدث سلام... (؟) از من برسانید. با احترامات فائقه

مخلص شما احمد زکی ولیدی طوغان

^۱ رسم الخط هر دو نامه عیناً نگه داشته شد.
^۲ از زکی ولیدی طوغان دو خودنوشت در دست است؛ در این باره نک: خاطره لار / *Hatirlar*. استانبول، ۱۹۶۹، ص: ۶۴۳؛ راهنمای کتاب، س ۱۳ (مرداد - مهر ۱۳۴۹): ۴۷۲.
^۳ اطلاع و دستیابی به این کتاب را مدیون راهنمایی و لطف دوست دانشمند آقای یوشیفوسا سهکی هستم؛ از او به واسطهٔ محبت‌های سخاوتمندانه‌اش از جمله ارسال همین کتاب سابق‌الذکر منت پذیرم.
^۴ این متن را دکتر جلیل مسگرزاد تصحیح کرده‌اند؛ برای مشخصات چاپی آن، نک: تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱؛ نسخهٔ اشاره شده در نامهٔ دکتر ولیدی طوغان ۱۸ سال جلوتر از نسخهٔ اساس (۸۹۱ق) مصحح کتاب است و در تصحیح کتاب حاضر از آن استفاده نشده است.
^۵ ظاهراً «تبریزی» باید باشد و سهوالقلم است؛ در عبارت دکتر بیانی هم «تبریزی» ذکر شده است. نیز نک: عالی افندی، مصطفی. مناقب هنروان. ترجمهٔ توفیق ه. سبحانی. تهران: سروش، ۱۳۶۹: ۱۰۴.

انای مکرم محمد بیانی

فکایت کرد. بودیم که به «شبهه شیخی بیگ» در جناب ش. طبعاً ایام ۱۰۰۰
بنده در طبع سیرای این جناب کشتیم، صورتی است محمد بیگ، ش. نامی بیگ، همان بیگ
و اشکالی دیدیم، شیخ. شیخی بیگ را هیچ کس ندیده که پیدا کنیم. در گمان از محمد بیگ بودید؟
مگره محمد عهده فرقات چه بود؟ بنده در بریتش درازم نام نسخه فضل الخطا به ضوایح پارسی
ایم بخفا محمد بن سلمان محمد القاری المحدث شیخی بیگ از سنه ۱۰۰۰ ش. که شما چیست؟
ایا ممکن است این شیخی بیگ همین شیخی بیگ خطا و تناس که شما شبهه استن ایم بودید
ایا تاریخ کتاب شیخی بیگ مسلم است؟ ^{نسخه} عالی در کتاب خزانه «محمد بیگ بن سلمان محمد شیرازی»
در مکینه و با برکتش در صفا و کتب اجماعه زمان بود. ۱۰۰۰ ش. خطا و تناس
محمد بن سلمان محمد بیگ نوداله از اعیان دولت و نیز از زمان صفویه تا اسلام در شیراز سیر کرده
اصلاً تا آنکه در آنجا بود. نگارنده چیست؟
الا تذکره که شنیدیم در شیرازی نمی بیند. اگر حالا چاپ شده است.
بنده بخوانم که به نیمه از ویارس بگیرم. شما این کتاب را کجا دیدید؟ تا آنکه کفر وی
در سینه محمد بن سلمان از آن برسانید
با احترامات
محمد بیگ

احمد زکی ولیدی طوغان به دکتر مهدی بیانی (از مجموعه دکتر مهدی بیانی).

پاسخ دکتر مهدی بیانی به دکتر زکی ولیدی طوغان^۶

۱۲ آبان ۱۳۳۷

دانشمند محترم،

مکتوب مورخ ۵ اکتبر ۱۹۵۸ مدتی است بتهران رسیده و موجب تأخیر در عرض جواب مسافرت اینجانب بوده است که دو ماهی بارو پا رفته بودم.

اینکه مرقوم فرموده‌اید «شبهه شیخی بیک» را اینجانب در جُنگ شاه طهماسب دیده باشم، بخاطر نمی‌رسد که این مطلب را بنده در جایی نقل کرده و یا نزد کسی حکایت کرده باشم؛ ولی با مراجعه بکتاب «فرهنگ خوشنویسان» (که مدتی است سرگرم تألیف آن هستم و هنوز پایان نرسیده و نشر نشده است) ذکری از او کرده‌ام و در عجبم که چگونه آن استاد باین نکته اطلاع حاصل فرموده‌اند.

باری بنده در آنجا ذکری از «شبهه وی» نکرده‌ام، بلکه در جزو مرقع بهرام میرزای صفوی^۷ که جامع آن دوست محمد کاتب است یک قطعه شعر بخط نستعلیق خوش وی دیده‌ام که چنین رقم دارد: «عرضه داشت بنده خاکسار شیخی بیک نقاش...» و همین را در کتاب خود نقل کرده‌ام.^۸

این قطعه در مرقع بهرام میرزا متعلق بکتابخانه خزینه اوقاف طوپ قاپوسرای است که بشماره 2154 ثبت شده است که بخوبی می‌توانید بآن مراجعه فرمائید.

اما اینکه نسخه‌ای از فصل الخطاب با رقم «محمد بن سلطان محمد القاری المدعو بشیخی بیک» دیده‌اید که تاریخ ۹۰۹ دارد بعید نیست که بخط همین شیخی بیک باشد. زیرا که اگر چه من تاریخ حیات وی را نیافته‌ام مسلّم اینست که وی قبل از تاریخ ۹۵۱ یعنی زمان جمع این مرقع در قید حیات بوده است و چون جامع مرقع خطوط استادان گذشته و معاصر بهرام میرزا را در آن جمع کرده است ممکن است قطعه‌ای هم از وی در آن گنجانیده باشد و فاصله بین سنوات ۹۰۹ و ۹۵۱ آنقدر نیست که کاتب آن کتاب و این قطعه را بتوان بضرر قاطع دو کاتب مختلف دانست.

اما اینکه صاحب مناقب هنروران ذکر نام محمد بیک بن سلطان محمد تبریزی را کرده است مشکل است که وی همین شیخی بیک باشد.

سلطان محمد نور هم از چهار شاگرد بنام سلطان علی مشهدی است (سه دیگر عبارتند از: سلطان محمد خندان - محمد ابریشمی - زین‌الدین محمود) و خطوط خوش نستعلیق وی فراوان است و اگر چه وی رنگه‌نویس بوده است، ولی نسبت نقاشی ویرا در جایی ندیده‌ام. وی در دستگاه امیر علی شیر نوائی در هرات می‌زیسته است و با اینکه سال وفاتش معلوم نیست ولی از آثار تاریخ‌دار وی تا سال ۹۳۷ دیده‌ام و تا این زمان حیاتش مسلّم است. گلستان هنر قاضی احمد بن میرمنشی قمی تاکنون بچاپ نرسیده است^۹ ولی ترجمه روسی آنرا زاخودر مستشرق روس چاپ کرده است و ترجمه آن بفرانسه هم در دست آقای پرفسور مینورسکی است.^{۱۰}

آقای دکتر یحیی مهدوی و آقای میرجلال محدث از لطف عالی ممنونند و سلام می‌رسانند. مترصد زیارت مرقومات عالییه و ارجاع خدمات فرهنگی هستیم.

ارادتمند مهدی بیانی

^۶ این نامه بر روی برگه پیش‌نویس وزارت فرهنگ نوشته شده است.

^۷ درباره مرقع بهرام میرزا و کاتب آن، نک: بیانی، مهدی. احوال و آثار خوشنویسان (نستعلیق‌نویسان). تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ۱: ۱۸۸ - ۲۰۳.

^۸ بیانی، مهدی. احوال و آثار خوشنویسان (نستعلیق‌نویسان). تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ۲: ۳۲۳.

^۹ برای مشخصات چاپی آن، نک: گلستان هنر. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.

^{۱۰} آنچه که از ایشان به چاپ رسیده ترجمه انگلیسی کتاب است:

Calligraphers and Painters, A Treatise by Qāḍī Aḥmad, son of Mīr-Munshī. (circa A.H.1015/A.D. 1606). Translated from Persian by V. Minorsky. Washington, 1959. IX + 223 p.



وزارت فرهنگ

اداره

موضوع پیش نویس

ضمیمه

مسئول با کتویس

شماره عمومی

شماره خصوصی

تاریخ خراج ۱۳۳

تاریخ ثبت ۱۳۳

تاریخ تحریر ۱۳۳۷

Handwritten notes in the top right corner, including the name 'دکتر مهدی بیانی' and other illegible text.

Main body of handwritten text in Persian, detailing a report or letter. It begins with 'مکتوب مورخ ۵ اکتبر ۱۹۵۸' and discusses various matters related to the Ministry of Culture and Higher Education.

Vertical handwritten notes on the right side of the page, providing additional context or commentary on the main text.

چاپخانه وزارت فرهنگ